

کودتای ۲۸ مرداد یکی از حوادث سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران بود که در دوازدهمین سال حکومت پهلوی دوم به وقوع پیوست و سبب تثبیت حاکمیت او تا ربع قرن دیگر شد. تابستان سال ۱۳۲۰ در میانه جنگ دوم جهانی، نیروهای بریتانیا و شوروی وارد ایران شدند. رضاشاه پهلوی عملاً از کشور تبعید شد و محمدرضا به جای پدر بر تخت سلطنت نشست. عدم اقتدار نسبی شاه جوان بویژه در سال‌های ابتدایی، به تنش میان نیروهای سیاسی و تزلزل نهادهای قدرت دامن می‌زد.

در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰، یعنی دهه اول سلطنت محمدرضا شاه، حدود ۱۵ بار نخست‌وزیر عوض شد؛ افرادی چون احمد قوام‌السلطنه، علی سهیلی، محمد ساعد، ابراهیم حکیم‌الممالک و عبدالحسین هژیر در این دوران به مقام نخست‌وزیری رسیدند.

از سوی دیگر، با پایان جنگ دوم جهانی جنبش‌های استقلال‌طلب در دنیا رو به گسترش بودند و در ایران نیز نگاه ملی‌گرایانه جایگاه ویژه‌ای در سیاست پیدا می‌کرد. در همین شرایط بود که جبهه ملی ایران در سال ۱۳۲۷، با ائتلاف طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی که شاید تنها در نگاه ملی‌گرایانه خویش مشترک بودند، تأسیس شد. یکی از پایه‌های اصلی این جبهه دکتر محمد مصدق بود. رویارویی دکتر مصدق با بریتانیا در آغاز دهه ۳۰ خورشیدی موضوع تازه‌ای نبود. سال ۱۳۰۲، در دوره تصدی وزارت امور خارجه در کابینه مشیرالدوله نیز مصدق با آنچه بریتانیا منافع خود در ایران می‌دانست، به مخالفت پرداخته بود. بلافاصله پس از مشیرالدوله، رضاخان سردار سبه به نخست‌وزیری رسید و مصدق از قدرت حذف گردفت. ظهور مجدد و مؤثر مصدق در عرصه سیاست ایران تنها پس از اشغال کشور و برکناری رضاشاه از سلطنت ممکن شد. در اولین انتخابات پس از رضاشاه (دوره چهاردهم مجلس شورای ملی)، مصدق بیشترین رأی را در تهران کسب کرد و با تلاش او طرحی در مجلس تصویب شد که به دولت اجازه نمی‌داد حین اشغال درباره نفت با خارجی‌ها مذاکره کند. یکی از نقاط مهم حیات سیاسی مصدق انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی بود که اعتراض به وقوع قلب‌های گسترده در آن، برخی ملی‌گرایان و مخالفان دربار را بیش از پیش به هم نزدیک کرد. جبهه ملی نیز به کمک معترضانی چون محمد مصدق، حسین مکی و مظفر بقایی تأسیس شد که ورودشان به مجلس شانزدهم (در دور دوم انتخابات) راه را برای تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت هموار کرد و سرانجام به رهبری مصدق، ملی شدن نفت ایران از طرح به قانون بدل شد. جو میهن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی در ایران بالا گرفته بود و ترور نخست‌وزیر وقت، سهپهد جاعلی زرم‌آر توسط فدائیان اسلام رنگ خطر دیگری بود هم برای شاه، هم برای کسانی که «خالن» و «مزدور بیگانه» نامیده می‌شدند. حسین علاء هم که به جای نخست‌وزیر مقتول نشست، چاره‌ای جز برخاستن زود هنگام و سپردن کرسی وزارت به مصدق نیافت.

دغدغه و برنامه اصلی دولت مصدق به اجرا درآوردن قانون ملی شدن صنعت نفت بود. از آن پس مذاکرات پی‌درپی بریتانیایی‌ها و میانجی‌گری آمریکایی‌ها بی‌نتیجه ماند و حتی شکایت انگلیس به دیوان لاهه و شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تأثیری بر روند ملی شدن نفت ایران نگذاشت. مصدق در لاهه و نیویورک به دفاع از حق مالکیت مردم بر منابع سرزمین خود پرداخت.

پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران دکتر مصدق به نخست‌وزیری رسید. او برنامه خود را اجرای این قانون (و نیز اصلاح قانون انتخابات) اعلام کرد. مذاکرات با شرکت نفت ایران و انگلیس شروع شد. شرکت نفت آماده پذیرش ملی شدن نفت ایران نبود و همچنان بر ادامه قرارداد ۱۹۳۳ اصرار داشت. دکتر مصدق از شرکت نفت ایران و انگلیس خلع ید کرد و کارشناسان و مدیران این شرکت ناچار به ترک ایران شدند. دولت بریتانیا از ایران به شورای امنیت شکایت کرد. شورا رسیدگی به این شکایت را به دیوان بین‌المللی لاهه ارجاع داد. دکتر مصدق دادگاه بین‌المللی را برای رسیدگی به این مساله که امری مربوط به حق حاکمیت ایران بود صالح ندانست. دیوان نیز بالاخره به عدم صلاحیت خود رای داد. بدین ترتیب بریتانیا و شرکت نفت نتوانستند از مجراه‌های قانونی بین‌المللی با ملی شدن نفت ایران مقابله کنند.

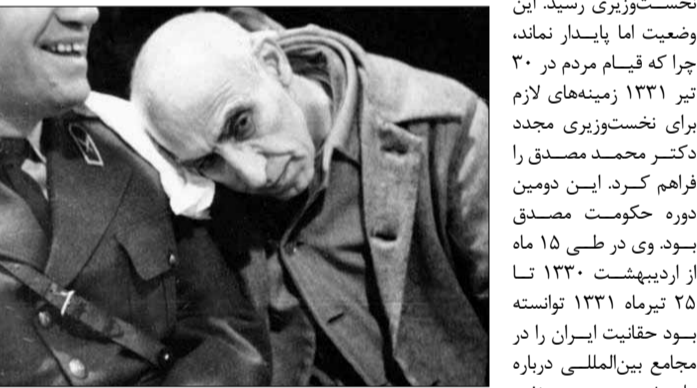


درباره زمینه‌های شکل‌گیری کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق

الان دقیقاً نیمه شب است

پس از برگزاری انتخابات دوره هفدهم و افتتاح مجلس شورای ملی و بازگشت دکتر مصدق از دادگاه لاهه و در بحبوحه مبارزات نهضت ملی شدن نفت، با وجود اظهار تمایل اکثریت نمایندگان مجلس جدید به نخست‌وزیری مجدد دکتر مصدق، ناگهان وی از سمت خود استعفا داد. علت این امر کارشکنی‌های اقلیت مجلس، تحت رهبری سیدحسن امامی، عدم ابراز تمایل مجلس سنا به زمامداری دکتر مصدق و اختلاف بر سر درخواست اختیارات بیشتر برای نخست‌وزیر بود.

مصدق مصمم بود اختیار تعیین وزیر جنگ را از شاه بگیرد «تا دخالت دربار در آن کم شود و کارها در جهت صلاح کشور پیشرفت کند…» و اکنش شاه در برابر این پیشنهاد چنین بود: «پس بگویید من چمدان خود را ببندم و از این مملکت بروم.» مصدق در پاسخ فوراً گفت که در این صورت استعفا خواهد داد. شاه از دادن مقام وزارت جنگ به نخست‌وزیر امتناع کرد، دکتر مصدق استعفا کرد و احمد قوام به



اثبات کند اما در همان مقطع با توطئه‌های بزرگی از جانب دولت‌هایی که دستشان از منابع نفتی و سرمایه‌های مردم ایران کوتاه شده بود، مواجه شد. دکتر مصدق توانست در مقابل این فشارها نیز مقاومت کند. با رفراندوم و انحلال مجلس دیگر معلوم بود که مخالفان باید دست از اقدامات قانونی بردارند و رودررو مصدق را ساقط کند. اما در همین مورد هم آنان سعی در حفظ ظاهری قانونی داشتند و با همراه کردن شاه، دستخط‌هایی از او برای عزل دکتر مصدق و نصب سرلشکر زاهدی به نخست‌وزیری گرفتند. دکتر مصدق که صدور فرمان عزل را خلاف روح قانون اساسی و حکومت مشروطه می‌دانست از قبول آن سر باز زد و مخالفان دست به کودتا زدند. در روز ۲۵ مرداد با ناکام ماندن کودتای نظامیان، شاه به خارج از کشور فرار کرد. در کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ قرار بود دکتر مصدق خلع شود.

در نیمه شب روز ۲۴ مرداد ۱۳۳۲ رمز عملیات آژاکس: «الان دقیقاً نیمه شب است» به صورت رمز از رادیو بی‌بی‌سی اعلام شد در حالی که این جمله هر شب بدون کلمه دقیقاً توسط مجری ادا می‌شد اما نهایتاً کودتا کشف و خنثی شد. مصدق

هم دستور بازداشت سرهنگ نعمت‌الله نصیری را که برای بازداشت وی آمده بود، صادر کرد. با این رویداد مصدق و اطرافیانش تصور کردند خطر برطرف شده است. یک روز قبل از وقوع کودتای دوم یعنی در ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ آیت‌الله کاشانی در نامه‌ای به مصدق از قطعی بودن کودتایی دیگر خبر داد.

چنانکه بعدها در اسناد سازمان جاسوسی آمریکا منتشر شد طرح کودتا که به نام رمز «آژاکس» خوانده شد، پس از انتخاب افسران به نخست‌وزیری انگلیس در مهر ۱۳۳۱ تهیه شد و انتخاب آیزنهاور به ریاست‌جمهوری آمریکا در ماه آبان همان سال به پیشبرد این طرح در ایران کمک شایانی کرد. این طرح مشترک با کمک عواملی در داخل ایران از جمله برداران رشیدیان، ذوالفقاری‌ها و دیگر جریان‌های وابسته به انگلیس و آمریکا که از مرتبطان فعال دربار محمدرضا پهلوی بودند به اجرا گذاشته شد. تا پیش از انتخابات آمریکا مقامات انگلیسی طرح آژاکس را به یاری ۲ تن از بلندپایگان سازمان



«سیا» از جمله کریمت (کیم) روزولت و آلن دالس به پیش برده بودند اما آن را تا آغاز دوران ریاست جمهوری آیزنهاور مسکوت گذارده بودند. طرح مزبور، ۲ هفته پس از آغاز ریاست‌جمهوری آیزنهاور یعنی از روز ۱۴ بهمن ۱۳۳۱ که یک هیأت انگلیسی برای اجرایی کردن طرح به ملاقات جان فوستر دالس، وزیر خارجه آمریکا و بردارش آلن دالس، رئیس سازمان «سیا» به واشنگتن رفت، لازم‌الاجرا شد.

در خرداد ۱۳۳۲ مصدق در نامه‌ای به آیزنهاور، رئیس‌جمهور آمریکا از همراهی آن کشور با سیاست‌های خصمانه انگلستان گلابه کرد، غافل از آنکه این نامه ۴ روز پس از تشکیل جلسه‌ای در وزارت خارجه آمریکا برای تهیه مقدمات کودتا و براندازی حکومت مصدق به دست آیزنهاور رسید. آیزنهاور نیز پاسخ نامه را تعمداً یک ماه به تأخیر انداخت تا عملیات آژاکس، روال برنامه‌ریزی شده خود را طی کند.

کودتای دوم بدون مقاومت مردمی و دخالت احزابی چون حزب توده که از قدرت نظامی سازمان افسران‌ش بهره می‌برد، در عرض چند ساعت به پیروزی رسید و سرلشکر زاهدی

مطبوعات به مصدق ابعاد جدید و خطرناکی می‌یافت و وی را به دلیل اجازه فعالیت به حزب توده به داشتن ارتباط‌های کمونیستی و به‌خاطر شعار مشهورش مبنی بر اینکه «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» به نقشه‌کشی برای برانداختن تاج و تخت سلطنت متهم می‌کردند. طی روزهای دهه سسوم مرداد ۱۳۳۲، نشریه‌های حزب توده، «شهباز» و «به سوی آینده» وقوع کودتا را هشدار می‌دادند اما کسی به این هشدارها توجه نمی‌کرد.

با وجود همراهی آیت‌الله کاشانی با مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت که اوج آن به واقعه ۳۰ تیر انجامیده، به‌تدریج بین این دو، اختلاف ریشه‌داری روی داد، به‌گونه‌ای که وقتی دکتر مصدق تقاضا کرد که لایحه اختیارات او برای ۶ ماه تمدید شود، این بار کاشانی در مقام ریاست مجلس، نامه‌های تندی نوشت و این اختیارات را خلاف قانون اساسی اعلام داشت و به مصدق اعتراض کرد.

در واقعه نهم اسفند ۱۳۳۱ که شاه می‌خواست از کشور خارج شود، با مخالفت دسته‌های زیادی از جمله کاشانی روبه‌رو شد. این بار آیت‌الله کاشانی و محمد بهبهانی با هم توافق کردند از خروج شاه جلوگیری کنند و طی نامه‌ای به شاه، خروج وی را از کشور، امری بزرگ برشمردند و او را از این مسافرت منع کردند. وقتی شاه از مسافرت خود انصراف داد، مصدق از دربار رفت و برای انحلال مجلس به همه‌پرسی قبیل حائری‌زاده، مکی و دکتر بقایی با مخالفان مصدق همکاری کردند و کاشانی نامه تندی به مصدق نوشت که: «… حضرت نخست‌وزیر، دکتر مصدق، نظامیان بودند که در کانون افسران بازنشسته به رهبری فضل‌الله زاهدی هدایت می‌شدند.

سرتیپ نادر باتمانقلیچ، سرتیپ حسین آژموده، سرتیپ عباس فرزاتگان، سرگرد پرویز خسروانی، هدایت‌الله گیلاتشاه، منصورپور، سرتیپ عباس گرز، سرهنگ عزیز امیررحیمی، سرهنگ نعمت‌الله نصیری و بر من مسلم است که این می‌خواهید مانند سی‌ام تیرماه، یک بار دیگر ملت را تنها گذاشته و قهرمانانه بروید. ترس مرا در عدم اجرای رفراندوم نشنیدید…».

مصدق که دیگر هیچ‌گونه رابطه‌ای با دوستان نزدیک خود و بویژه آیت‌الله کاشانی نداشت، جوابی بسیار سرد به این شرح به آیت‌الله کاشانی داد: «این‌جانب مستطهر به پشتیبانی ملت ایران هستم و‌السلام…» طبیعی بود که با این روابط سرد، همکاری مصدق و کاشانی پایان یافته بود. همین امر نقش مهمی در سقوط مصدق ایفا کرد. از دیگر عوامل داخلی کودتای ۲۸ مرداد، گروهی از سیاستمداران معروف ایرانی و هوادار بریتانیا بودند. از جمله این افراد سیدضیاءالدین طباطبایی بود که بریتانیا تلاش می‌کرد زمینه‌های نخست‌وزیری او را فراهم کند. انگلیسی‌ها حتی پیش از آنکه مصدق زمام امور را به دست گیرد، شاه را برای نخست‌وزیری سیدضیاءالدین، زیر فشار گذاشته بودند. شاه ظاهراً با این امر موافق بود و در همان موقع که مجلس، مصدق را برای نخست‌وزیری معرفی کرد، با سیدضیاءالدین دراین باره درحال گفت‌وگو بود. از دیگر این افراد، جمال امامی بود که رهبری فراسکسیون طرفدار انگلیس را در مجلس برعهده داشت، در واقع تلاش‌های جمال امامی و فراسکسیون هوادارش برای تسلیح ساختن مجلس بود، با پیروزی کودتا که با امکانات مالی بریتانیا و آمریکا، و حضور عوامل داخلی در صحنه بریتانیا در ایران بودند که انگلیسی‌ها از طریق تقریباً تمام مدیران و کارگزاران دولت مصدق بازداشت شدند. برخی مثل دکتر قاطمی به اعدام محکوم شدند و دیگری به زندان. در این میان اعضای فعال حزب توده نیز دستگیر و برخی افسران توده‌ای اعدام شدند. سران حزب نیز به خارج از کشور گریختند. دولت روسیه طلاهایی را که در نهایت مضیقه و احتیاج دولت مصدق، به او برنگرانداده بود، پس از کودتا به دولت زاهدی تحویل داد. خود مصدق نیز دستگیر و در یک دادگاه فرمایشی به ۳ سال زندان محکوم شد.

وی پس از پایان دوران حبس نیز تا آخر عمر به احمداًباد تبعید شد اما مقاومت همچنان ادامه داشت و چندی بعد روحانیون و اساتید دانشگاه و بعضی شخصیت‌ها، تشکیلی به نام «نهضت مقاومت ملی» به وجود آوردند که با نظر مثبت دکتر مصدق به یکی از بزرگ‌ترین نهضت‌های سیاسی در سال‌های بعد تبدیل شد.
منبع: تاریخ ایرانی



تانک‌ها در حال حرکت در خیابان تهران در جریان کودتا



تانک‌ها در حال حرکت در خیابان تهران در جریان کودتا

نحوه طرح‌ریزی عملیات کودتای ۲۸ مرداد توسط انگلیس و آمریکا
روز ۲۸ مرداد یادآور کودتای ننگین و سیاهی است که شش‌ربنی نهضت ملی شدن صنعت نفت را در کام ملت ایران تلخ کرد. کریمت روزولت، رئیس اداره خاورنزدیک سازمان سیا به فرماندهی عملیات انتخاب شد و آمریکا و انگلیس، ستاد مشترکی را در ایستگاه اطلاعاتی انگلیس از قبرس تشکیل دادند و عملیات کودتا را طرح‌ریزی کردند. کتاب «سیا در ایران» که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی ترجمه و چاپ شده است، به بررسی طرح عملیاتی کودتای ۲۸ مرداد می‌پردازد که بخشی از آن را می‌خوانید:

عصر روز ۹ جولای ۱۹۱ خرداد[ا تمام کسانی که قرار بود در مذاکرات شرکت کنند، وارد بیروت شدند؛ آقای کریمیت روزولت، رئیس بخش خاورنزدیک و آفریقا و رئیس پروژه در طول عملیات با هوایما از لندن آمد، کارول بسا هوایما از قبرس آمد، راجر گوبران، رئیس ایستگاه تهران با ماشین از دمشق وارد شد و ویلبر از طریق هوایی از قاهره آمد.

صبح ۱۰ جولای [۲۰ خرداد] گفت‌وگوها آغاز شد و تا ۴ روز ادامه یافت. روال این بود که گفت‌وگوها خیلی زود شروع می‌شد و تا ساعات ۲ ادامه می‌یافت و عصر دوباره دور هم جمع می‌شدند. اولین دستور کار، بررسی مجدد همه عوامل و عناصر صحنه سیاسی ایران با توجه به اطلاعات روزمره و جامعی بود که توسط رئیس ایستگاه تهران تهیه شده بود. پس از آنکه تمام اصول اولیه طرح پیش‌نویس پذیرفته شد، اعضای جلسه به بررسی تفصیلی طرح پرداختند. موضوع جلسات این بود که مشخص شود چگونه می‌توان به هر بخش یا جزئی، حداکثر ساختار و تأثیرگذاری را داد. اولین تغییری که در چشم‌انداز کلی صورت گرفت در همه تفکرات و تصمیمات بعدی بیشترین تأثیر را داشت. طرح پیش‌نویس حاکی از آن بود که اقدام قاطع متقابل در قبال برخی از قوی‌ترین عناصر صحنه مصدق مانند رهبران ایل قشقایی آغاز شود اما اینک تصمیم گرفته شد تمام تلاش‌ها باید معطوف به افزایش میزان و تأثیرگذاری نیروهای ضمه‌صدقی گردد؛ با این فرض که عناصر طرفدار مصدق زمانی که بهبرشان از صحنه کنار برود، واکنشی نشان نخواهند داد. رئیس ایستگاه تهران پیشنهاد داد طرحی جایگزین برای سرنگونی مصدق تهیه شود. این همان طرح *امینی/قشقایی* بود که ایستگاه تا حصول نتیجه موفقیت‌آمیز آژاکس، آن را به‌عنوان یک جایگزین احتمالی حفظ کرد. بعداًظهر شنبه جلسه نهایی گروه برگزار شد و صبح روز بعد یعنی ۱۴ جولای (۲۴ خرداد)، اعضای گروه با هوایما به مقاصد چندگانه خود پرواز کردند.

روزولت و ویلبر در ۱۵ جولای [۲۵ خرداد] وارد لندن شدند و در خیابان ۵۴ برادوی به اداره مرکزی اینتلیجنس سرویس گزارش دادند. آنها نسخه بازبینی‌شده بیروت را تحویل دادند. هیچ نسخه کپی از پیش‌نویس اصلی بیروت موجود نیست، زیرا این نسخه برای تنظیم پیش‌نویس نهایی «لندن» جرح و تعدیل شد. مذاکرات لندن در یکی از اتاق‌های کنفرانس خیابان ۵۴ برادوی برگزار شد. تنها نکته قابل توجه تالیوی بزرگی بود که روی آن با رنگ قرمز نوشته شده بود: «همه‌مانان خود را مهیار کنید». به نمایندگی از اینتلیجنس سرویس، فرمانده موریس ام‌فیتر و نورمن دربی‌شایر که از طریق ژنو از نیکوزیا آمده بودند همیشه حضور داشتند. سرگرد پی(پدی) جی کین که به نظر می‌رسید افسر میز چند کشور خاورمیانه‌ای باشد نیز برخی اتاق شرکت می‌کرد. مونتگ وودهاوس که مسلماً یکی از افسران بلندپایه آنها بود، فقط در یک جلسه شرکت کرد اما مطلب چندانی برای ارائه نداشت. از وقتی مذاکرات آغاز شد، روشن بود که اینتلیجنس سرویس پیشنهاد و نظر خاصی روی طرح پیش‌نویس ندارد. آنها روی نسخه بیروت هم به جز برخی ملاحظات دقیق در جمله‌بندی و عبارات، حرف خاصی نداشتند. در نیکوزیا نیز معلوم بود قصدشان این است که دل آمریکایی‌ها را به دست آورند و به آنها اجازه دهند آن‌طور که دوست دارند کارها را پیش ببرند. به نظر می‌رسید آنها اطمینان فراوانی به طرح و نتیجه موفقیت‌آمیز عملیات دارند و به برادران رشیدیدیان دستور دادند از اوامر ایستگاه سیا در تهران کاملاً اطاعت کنند. حاضران در جلسه نهایی، اداره امور آینده را مورد بررسی قرار دادند. مأموران اینتلیجنس سرویس گفتند اتخاذ تصمیم قاطع از سوی دولتشان جهت تأیید یا عدم تأیید طرح، زمانبر خواهد بود. روزولت و ویلبر در ۱۷ جولای (۲۷ خرداد] لندن را ترک کردند و روزولت ظهر روز هجدهم به دفترش بازگشت. در آنجا طرح به سرعت بازنویسی و تایپ شد. این طرح در ضمیمه «ب» آورده شده است.